

مبانی ارزش شناختی بیانیه گام دوم انقلاب از منظر قرآن کریم

دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۰ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۹ روح الله شهریاری*
ابراهیم نوری**

چکیده

پژوهش حاضر با روش تحلیلی و اکتشافی و از طریق رجوع به بیانیه گام دوم انقلاب، با هدف بررسی مبانی ارزش شناختی آن از منظر قرآن کریم صورت پذیرفته است. آنچه در این تلاش حاصل شد، نشان می‌دهد بیانیه گام دوم انقلاب در همه عناصر خود خاستگاهی قرآنی و بنیانی ارزشی دارد. بیانیه بر ارزش‌هایی تأکید دارد که از یک سو نسبی ناپذیر هستند و از سوی دیگر، عنصر مدرج بودن را دارا می‌باشند. به علاوه توسعه و پیشرفت انقلاب اسلامی بر این مبنا استوار شده است که در هنگام تراحم ارزش‌های مادی و معنوی، مصالح معنوی در سطح ملی و فراملی مقدم می‌شود. همچنین در این بیانیه می‌توان بر این مبنای ارزشی که کمال حقیقی اختیاری است و جبر ناپذیر می‌باشد، دست یافت، در عین حال، بر این نکته که تشکیل حکومت اسلامی به مثابه ضرورت تحقق کمال حقیقی مطرح است، عنایت شده است که لازمه این ضرورت، فراهم آوردن بسترهای لازم جهت نیل به سمت کمال حقیقی است. از دیگر مبانی ارزش شناختی کشف شده در این بررسی، می‌توان به توجه به عقلانیت به مثابه راه تمییز ارزش‌ها و مطرح بودن عدالت به مثابه اصیل‌ترین ارزش اجتماعی اشاره نمود.

واژگان کلیدی

بیانیه گام دوم انقلاب، مبانی بیانیه گام دوم، مبانی ارزش شناختی بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری

* دانش آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه معارف قم:

Roohollah127@gmail.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان: enoori@theo.usb.ac.ir

مقدمه

اصلاح مستمر مسیر حرکت انقلاب اسلامی و تعالی بخشی آن، ضرورت تمدن‌سازی اسلامی محسوب می‌شود و در این راستا حفظ اصول و هویت نظام ضرورت دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰). حفظ اصول و هویت نظام در مرتبه‌ای فراتر، رهین ابتدای آموزه‌های آن بر منبعی موثق است تا فرآیند جریان‌سازی در همه مراحل بر بستری استوار و ماندگار نهاده شود. بدین جهت، اگر فعالیت‌های نظام در ابعاد و سطوح مختلف، صرفاً از روابط قراردادی اخذ شده باشد، همانند سرابی خواهد بود که هرگز تشنه مقام و نیازمند به کمال را سیراب نخواهد کرد. به همین جهت است که تشریح و تنظیم مبانی، قواعد و روابط در حکومت اسلامی و نظام الهی تنها به استناد وحی آسمانی بوده و صرفاً از آن منبع مدد می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۸). این مهم در انقلاب اسلامی نیز وجود داشته است؛ به گونه‌ای که انقلاب از ابتدای شکل‌گیری و نیز در طول چهل سال گذشته در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ملی و فراملی بر مبنای ارزش‌های الهی و دینی استوار بوده است. در ادامه نیز ابتدای بر آن‌ها چنان‌که بیان شد، جهت رشد و بالندگی بیش‌تر و تحقق اهداف آن خصوصاً آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)، ضرورت دارد. یکی از اسنادی که در این خصوص به مثابه راهبرد استمرار حرکت نظام اسلامی توسط رهبری شایسته ارائه شده است، «بیانیه گام دوم انقلاب» است. با توجه به آن‌چه ارائه شد، آن‌چه در این بیانیه واکاوی آن ضرورت دارد، پی‌جویی ملاک و معیار باید و نیایدهای ارزشی آن است، تا روشن گردد مبتنی و بر مدار ذوق، سلیقه و معرفت‌های شخصی نظم یافته است یا مبتنی بر واقعیت‌ها و ارزش‌های اصیل متخذ از مبانی قرآنی است. بدین جهت پژوهش فرآروی بیانیه گام دوم انقلاب را با هدف تبیین مبانی ارزش‌شناختی آن از منظر قرآن کریم مورد تحلیل قرار داده است تا در پرتو این بررسی، این سؤال اصلی که مبانی ارزش‌شناختی بیانیه گام دوم انقلاب از منظر قرآن کریم کدام است، پاسخ داده شود.

ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش حاضر علاوه بر آنچه در خصوص ضرورت موجه‌سازی آن آمد، از جنبه‌های دیگری نیز قابل ارائه است. ترسیم مبانی ارزش‌شناختی بیانیه بر اساس قرآن کریم، یقین به صحت آن را افزون می‌کند. این قوت در یقین، قوت در مسیر را به همراه خواهد داشت؛ چنان‌که امیرالمؤمنین 7 فرموده است: «کن موقناً تکن قویاً» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۹۲ و خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۶۰۰)؛ اهل یقین باش تا قوی باشی. در این صورت، حرکت در مسیر آن استوارتر و آگاهانه‌تر صورت می‌پذیرد. نکته حائز دقت دیگر آن‌که تضمین ماندگاری توصیه‌ها و تجویزات این بیانیه در گرو ابتدای آن بر مبانی ارزش‌شناختی قرآنی است؛ چرا که تنها ارزش‌هایی جاودانه هستند که از پشتوانه واقعی برخوردار باشند و امتیاز ارزش‌های قرآنی برخوردار آن‌ها از پشتوانه واقعی است؛ به این معنا که ابتدای بر فطرت الهی انسان دارند و چون فطرت انسان ماندگار و جاودانه است (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۰)، ارزش‌های متخذ از آن نیز جاودانه و ماندگار است. در نتیجه وقتی ارزش‌های بیانیه گام دوم انقلاب خاست‌گاه و هویتی قرآنی داشته باشند، ضرورتاً بقای آن‌ها تضمین شده است و در همه اعصار پاسخ‌گوی نیازها خواهد بود.

پیشینه پژوهش

بیانیه گام دوم انقلاب از اولین روزهای صدور، مورد توجه محققان و پژوهش‌گران واقع شد؛ به گونه‌ای که دارای پیشینه قابل توجهی است. در همین زمینه پژوهش‌های ذیل قابل ارائه است:

موسی‌زاده در پژوهشی، اصول و مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب را مورد توجه قرار داده است و در پرتو آن ارزش‌هایی چون آزادی، عدالت، استکبارستیزی، معنویت، عقلانیت و مردم‌سالاری را به عنوان مؤلفه‌ها و ملزومات راه نظام‌سازی اسلامی تبیین نموده است (موسی‌زاده، ۱۳۹۹، ش ۹۵، ص ۱۳۴-۱۱۲). در پژوهش دیگری جعفری‌پناه و میرعلی بیانیه گام دوم انقلاب را از منظر جایگاه خودسازی در تحقق صلح عادلانه مورد توجه قرار داده و تصریح کرده‌اند که خودسازی به عنوان مهم‌ترین گام و مقدم بر جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است (جعفری‌پناه و

میرعلی، ۱۳۹۹، ش ۲۹، ص ۲۹۶-۲۷۵). در یک پژوهش نیز که ناظر به مبانی بیانیه گام دوم انقلاب است (رهنمایی، ۱۳۹۹، ش ۶۱، ص ۲۰۴-۱۸۵)، به تبیین مؤلفه‌های هفت‌گانه بیانیه از جهت انطباق آن‌ها با مبانی فطری و کلامی پرداخته شده است. پژوهش مذکور هرچند به بررسی مبانی نظری بیانیه پرداخته است، اما از منظر ارزش‌شناسی، بیانیه را مورد واکاوی قرار نداده است؛ رسالتی که پژوهش حاضر در پی آن است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با روی‌کرد کیفی و با بهره‌گیری از دو روش هم‌زمان؛ یعنی روش تحلیلی و کشفی انجام شده است. تحلیل محتوا روشی است که به بررسی نظام‌مند محتوای درون‌متن و کشف مضامین خاص آن می‌پردازد. در روش تحلیل محتوای کیفی، پژوهش‌گر اغلب با مجموعه‌ای از اصول، کار را آغاز کرده و در صدد استخراج معنا از متن با قواعد و اصول ویژه است. در روش اکتشافی یادگیرندگان تشویق می‌شوند تا با محیط خود به تعامل بپردازند؛ یعنی در آن به کاوش‌گری و دست‌کاری اشیا، دست و پنجه نرم‌کردن با سؤالات یا انجام آزمایش اقدام کنند و در نتیجه به فهم یک موضوع برسند (همان). مراد از مطالعه اکتشافی، بررسی قرآن کریم برای شناسایی و جمع‌آوری آیات مربوط به مسأله مورد بحث است (کریمی، ۱۳۹۳، ش ۱۹۷، ص ۴۶-۳۱). لازم به ذکر است که تحلیل و اکتشاف صورت گرفته در این پژوهش حصری نیست، بلکه استقرای به قدر وسع نگارنده است.

مفاهیم پژوهش

نظر به ضرورت ایضاح مفهومی مفاهیم پژوهش، جهت پرهیز از سوء برداشت و یا مغالطه و نیز برای ایجاد تفاهم معنایی از واژگان کلیدی پژوهش، پیش از ورود به بحث اصلی، به تعریف و تبیین مفاهیم اصلی پژوهش پرداخته می‌شود.

مبانی

مبانی پیش‌فرض‌هایی است که هر شاخه علمی بر آن‌ها متکی است. منظور از مبانی در این‌جا گزاره‌های خبری که یا بدیهی‌اند یا از دانش‌های دیگر وام گرفته می‌شوند و برای تعیین اهداف، اصول، ساحت‌ها، مراحل، عوامل، موانع و روش‌ها در ساحات مختلف اجتماعی،

فرهنگی، سیاسی به کار می‌آیند است (فتحعلی؛ مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۶۵). مبانی به چند دسته تقسیم می‌شوند از جمله مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی (رهنمایی، ۱۳۸۸، ص ۶۹). در یک تقسیم نیز به پنج دسته معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، الهیاتی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی تقسیم شده است (فتحعلی؛ مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۸۵).

ارزش

ارزش به معنای هر امر مطلوب به کار برده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۵۲-۴۵) و دارای انواع مختلفی است؛ مانند ارزش اقتصادی، ارزش هنری، ارزش معرفت‌شناختی و ارزش اخلاقی. ارزش از یک جهت به ذاتی و غیرتی تقسیم می‌شود. در یک موضوع ارزش ذاتی؛ یعنی ارزشی که در آن موضوع به چیز دیگری وابسته نیست و ارزش غیرتی؛ یعنی ارزشی که در آن موضوع به چیز دیگری وابسته است و تابع آن می‌باشد (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۵۳).

مبانی ارزش‌شناختی

مقصود از مبانی ارزش‌شناختی، مباحثی در باره تعریف ارزش، انواع ارزش، مراتب ارزش، واقعی یا غیر واقعی بودن ارزش، منشای ارزش، معیار سنجش ارزش، ثبات یا تغییر ارزش، مطلق یا نسبی بودن ارزش و مانند این‌ها است (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۳۴۴-۳۳۲ و فتحعلی؛ مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۱۹۱). بدیهی است آن دسته از بررسی‌هایی که در صدد تبیین و تعیین هر یک از موارد پیش‌گفته برآید، ناظر به مسأله ارزش بوده و در حوزه مباحث ارزش‌شناختی دسته‌بندی می‌شود.

یافته‌های پژوهش

پی‌جویی ملاک و معیار باید و نبایدهای ارزشی بیانیه گام دوم انقلاب، ابتدای کامل و دقیق دیدگاه‌های مطرح‌شده در بیانیه بر واقعیت‌ها و ارزش‌های اصیل متخذ از مبانی قرآنی، نشان می‌دهد که در این‌جا به تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

جهان‌شمولی و نسبی‌ناپذیری

از جمله مبانی ارزش‌شناختی در اسلام، جهان‌شمول بودن آن‌ها است. قرآن کریم در

جاهای مختلف به این نکته اشاره دارد که ارزش‌هایی که به آن‌ها دعوت می‌کند، جهان‌شمول است و مرزهای فرهنگی، جغرافیایی و نژادی را در نوردیده و بی‌اعتنای به آن‌ها است، در نتیجه دعوت پیامبران الهی به لحاظ ماهیت و اصالت ارزش‌ها، دعوتی است که مختص طبقه یا گروه خاص یا زمان و مکان خاصی نیست،^۱ بلکه جریان نبوت، جریان واحد و اساس دعوت آن‌ها نیز واحد است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳). به همین جهت، ایمان به همه آن‌ها و عدم جدایی میان آن‌ها لازم دانسته شده است (نساء(۴): ۱۳۶ و ۱۵۲-۱۴۹). در همین خصوص، خداوند متعال در سوره اعراف می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (اعراف(۷): ۱۵۸).

نیز در سوره مبارکه بقره فرموده است:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ» (بقره(۲): ۱۳۶).

در این آیات، مخاطب آیه «الناس» است؛ یعنی جنس انسان‌ها در نتیجه مخاطب‌تعالیم ارزشی انبیا، همه انسان‌ها هستند. در آیه دیگری فرموده است:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبأ(۳۴): ۲۸)؛ و ما تو را برای همه مردم جز مژده‌رسان و بیم‌دهنده نفرستادیم، ولی بیش‌تر مردم [به این واقعیت] معرفت و آگاهی ندارند.

هم‌چنین در آیات دیگری از قرآن کریم، پیامبران الهی بیم‌دهنده همه بشریت نامیده شده‌اند که نشان از شمولیت باید‌ها و نباید‌های ارزشی صادرشده از جانب آن‌ها دارد:

«تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان(۲۵): ۱)؛ همیشه سودمند و با برکت است، آن‌که فرقان را [که قرآن جداکننده حق از باطل است] به تدریج بر بنده‌اش نازل کرد، تا به جهانیان بیم‌دهنده باشد.

بررسی بیانیه گام دوم نشان می‌دهد عناصر کلیدی ارزشی که در این بیانیه ارائه شده است، دارای چنین هویتی است؛ یعنی مرزهای جغرافیایی، زمانی، فرهنگی و طبقاتی را در نوردیده است. از جمله ارزش‌هایی که به آن‌ها تأکید شده است، عبارت هستند از:

اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه، خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس، معنویت، عدالت و مبارزه با فساد(خامنه‌ای، ۱۳۹۷). این عناصر همان‌هایی هستند که انبیای الهی همه بشریت را دعوت به آن‌ها نموده‌اند(بقره(۲): ۲۱۳؛ اعراف(۷): ۱۲۸ و ۱۵۹؛ یونس(۱۰): ۱۷ و نحل(۱۶): ۳۶). جهان‌شمول بودن این ارزش‌ها از نظرگاه دیگری نیز قابل تبیین است؛ به گونه‌ای که نشان می‌دهد این عناصر از نسبی‌پذیری مصون هستند. به این بیان که آن‌چه پیامبران الهی از مؤلفه‌های پیش‌گفته برای انسان آورده‌اند، بیگانه با فطرت بشر نیست و هیچ عقیده‌ای بر او تحمیل نشده است و آن‌چه به عنوان ره‌آورد وحی از مجرای وجود مقدس انبیا : بر فطرت انسان جاری شده است، شرح و بسط حقایقی است که به طور اجمال در فطرت او نهاده شده است و امتداد همان رشته‌ای است که خداوند بر گردن آدمی نهاده است(جوادی آملی، ۱۳۹۰(الف)، ص ۴۱). بدین جهت، چون مؤلفه‌های حاضر مطابق با فطرت انسان است و فطرت انسان همان بعد اصیل و هویت حقیقی انسان را شکل می‌دهد(شهریاری و نجفی، ۱۳۹۹، ش ۴۴، ص ۹۲-۶۹) و چون این هویت بنا بر مشترک بودن گوهر اصلی آن؛ یعنی فطرت، نسبی‌ناپذیر و زوال‌ناپذیر است، عناصر و مؤلفه‌های برخاسته از آن نیز نسبی‌ناپذیر خواهند بود.

مدرج بودن

یکی از مبانی ارزش‌شناختی مورد اشاره قرآن کریم، تدرج داشتن ارزش‌های دینی است. این تدرج داشتن ارزش‌ها از دو منظر کمی و کیفی قابل تبیین است. به لحاظ کمی مراد از تدرج داشتن این است که ماهیتاً برخی ارزش‌ها نسبت به برخی دیگر ارزش فزون‌تری دارند. در این فرض، از میان اموری که به ارزش غیر متصف می‌شوند، هر چیزی که در نیل به هدف نهایی؛ یعنی قرب الهی تأثیری فزون‌تر داشته باشد، ارزش‌مندتر خواهد بود و هر مقدار که از تأثیر در این هدف کاسته شود، ارزش غیر نیز دچار کاستی می‌شود. به این ترتیب، ارزش‌گیری دارای شدت و ضعف و مراتب مختلف است. برای مثال، ارزش علوم و معارف دینی که برای سعادت ابدی

انسان ضروری‌اند، بیش از ارزش علوم تجربی است که محدوده تأثیرگذاری آن‌ها زندگی دنیاست؛ گرچه علوم تجربی نیز تا جایی که با واسطه برای رشد و تعالی فضیلت‌های انسانی و امکان تقرب بیش‌تر به خداوند، زمینه بهتری فراهم می‌کنند، ارزش‌مند هستند. این امر نشان‌دهنده آن است که از دیدگاه اسلام، نمی‌توان برای ارزش‌گذاری صرفاً از معیار سلب و ایجاب یا صفر و یک استفاده کرد، بلکه باید در اندازه‌گیری ارزش‌ها به پیوستگی ارزش و در مقایسه ارزش‌ها به برتری یکی بر دیگری توجه داشت (فتحعلی؛ مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۱۹۹-۱۹۸). در قرآن کریم علاوه بر آن‌که به ارزش‌های مادی به نوعی تأکید شده و اجازه رهبانیت‌ورزیدن داده نشده است: «لَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص (۲۸): ۷۷)، ارزش‌های معنوی مانند عدالت و نماز از جایگاه ممتازی برخوردار شده‌اند؛ چنان‌که عدالت‌پیشگان مورد محبت خداوند قرار گرفته در مورد آن‌ها آمده است: «وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد.

هم‌چنین به جایگاه والای نماز اشاره شده و فرموده است:

«اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت (۲۹): ۴۵)؛ آن‌چه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید.

جهت دوم به لحاظ کیفی است. از جهت کیفی نیز ارزش‌ها دارای مراتب هستند؛ به این معنا که مفاهیمی مشکک هستند و دارای درجات مختلف. در برخی آیات قرآن، از مراتب تقوا سخن گفته شده و توصیه به شدت‌بخشیدن تقوا شده است:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (تغابن (۶۴): ۱۶)؛ «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده (۵): ۲۷).

صاحب تفسیر اطیب البیان با در نظر گرفتن مراتب تقوا در آیه اخیر، می‌گوید: اولین مرتبه تقوا، تقوای از کفر و ضلالت است که مرادف با ایمان است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۰).

تشکیک در مراتب کیفی ارزش‌ها منحصر در ارزش‌های اخلاقی مثبت نیست، بلکه ارزش‌های اخلاقی منفی؛ مانند کفر، نفاق، عجب و... نیز دارای مراتب است. شهید مصطفی خمینی؛ در تفسیر آیه «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ» (بقره (۲): ۱۰)، بر این مطلب تصریح دارند که ارزش‌های منفی نفاق و کفر مانند ایمان دارای مراتب مختلف هستند (خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۵۳). در روایات رسیده از حضرات معصومین؛ نیز به مراتب کیفی ارزش‌ها اشاره شده است. از جمله از مراتب توکل، «التَّوَكُّلُ دَرَجَاتٌ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۳)؛ مراتب تواضع، «التَّوَاضُّعُ دَرَجَاتٌ» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۲۴)؛ مراتب عجب، «العُجْبُ دَرَجَاتٌ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۴) و مراتب یقین، «دَرَجَاتُ الْيَقِينِ» (اسکافی، ۱۴۰۴ق، ص ۶۰) سخن گفته شده است. شاید با توجه به همین نکته است که در قرآن کریم خداوند متعال در پی جوئی ارزش‌های دینی توان و ظرفیت افراد را مورد توجه قرار داده است (بقره (۲) ۲۸۶ و طلاق (۶۵): ۷). به نظر می‌آید بر طبق تحلیل ارائه‌شده، مدرج‌بودن ارزش‌های مورد اشاره در بیانیه گام دوم انقلاب، یک ضرورت است که باید به آن پرداخته شود. در این جا به واکاوی متن بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته می‌شود تا میزان انطباق ارزش‌های آن با این مبنا تعیین شود.

در این بیانیه از یک سو سخن از آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی به میان آمده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷) که ناظر به کمیت‌های ارزشی است. به این معنا که ارزش‌هایی که نظام جمهوری اسلامی ایران به دنبال آن‌ها است، دارای مراتب کمی است. در فراز دیگری سخن از دو نوع ظرفیت در نظام جمهوری اسلامی به میان آمده است:

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است (همان).

این فراز نشان می‌دهد ظرفیت‌ها به دو قسمت زیربنایی و روبنایی قابل تقسیم است و همچنین ظرفیت‌های معنوی نسبت به ظرفیت‌های طبیعی اصالت داده شده‌اند. در توصیه‌های هفت‌گانه عناصر «معنویت» و «اخلاق» بر همه گزاره‌های تجویزی برتری داده شده است و بیان شده است که معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را

حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (همان).

یکی از بالاترین درجات ارزشی در بیانیه فراروی، تمدن‌سازی اسلامی نام گرفته و نیز بالاتر از آن، ارزش ایجاد آمادگی جهت ظهور منجی عالم بشریت (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) قرار داده شده است (همان). هم‌چنین در این بیانیه از جهت مصداقی یکی از والاترین ارزش‌ها عدالت نام گرفته است.

عدالت در صدر هدف‌های اولیّه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است (همان).

هم‌چنین بیان شده است:

نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آن‌که این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست (همان).
به لحاظ کیفی نیز تدرج در ارزش‌ها را می‌توان در بیانیه مشاهده نمود. چنان‌که سخن از متواطی بودن ارزش‌ها مطرح نیست که نشان می‌دهد صرف متصف شدن آحاد جامعه به یک ارزش کفایت نمی‌کند و نظام اسلامی را به هدف خود نمی‌رساند. بنابراین، سخن از رشد هر چه بیش‌تر ارزش‌ها به میان آمده است که نشان‌گر تشکیک در ارزش‌ها است. در این رابطه آمده است:

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیش‌تر رشد کند، برکات بیش‌تری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت (همان).

انتخاب معقول در هنگام تراجم ارزش‌ها

رهبر انقلاب در بیانیه مورد اشاره از جمله ارزش‌هایی که بر آن تأکید می‌کنند و آن را با اهمیت می‌دانند؛ چرا که در تحقق اهداف نظام موثر می‌دانند، مسأله اقتصاد است. ایشان می‌فرمایند:

اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور

است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد(همان).
با وجود جایگاه و اهمیتی که بر مقوله اقتصاد قائل هستند، یک نکته کلیدی در این ارائه می‌دهند و می‌فرمایند:

اقتصاد هدف جامعه اسلامی نیست(همان).

این نکته از آن جهت حائز دقت است که در مقولات ارزشی و از حیث ارزش‌شناختی، آنچه به عنوان هدف تعیین می‌شود، دارای اصالت است و آنچه به عنوان هدف نباشد، به لحاظ ارزش‌شناختی اعتباری است. بنابراین، در هنگام تزامن ارزش‌ها باید همواره آنچه اصیل و یا با اهمیت‌تر است، ترجیح داده شود(فتحعلی؛ مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱). هم‌چنین در خصوص استقلال و آزادی، این دو را جزو ارزش‌های اسلامی تلقی کرده، تصریح می‌کنند:

استقلال ملی به معنای آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است و این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه الهی به انسان‌هایند و هیچ کدام تفضّل حکومت‌ها به مردم نیستند(همان).

در ادامه اشاره می‌شود که ارزشی مانند «آزادی» نباید در تقابل با ارزش‌های الهی قرار گیرد. به این معنا که ارزش‌هایی مانند معنویت و اخلاق باید مقدم بر ارزش آزادی باشند(همان).

این فرازها حکایت‌گر مبنای ارزش‌شناختی پیش‌گفته است که نشان می‌دهد در هنگام تزامن ارزش‌ها باید ارزش اصیل بر اعتباری و اهم بر مهم و معنوی بر مادی ترجیح داده شود. وجود تزامن در عالم ماده نشان می‌دهد، ممکن است میان کارهای اختیاری تزامن رخ دهد. یعنی چنین نیست که همه کارهای ارزشمند را بتوان با هم انجام داد(فتحعلی؛ مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱). از جمله، گاهی تأمین نیازهای مادی با رعایت مصالح معنوی تزامن پیدا می‌کند. اگر در جامعه‌ای همه نیروی مردم

صرف کارهای اقتصادی و پیشرفت‌های مادی شود، طبعاً این جامعه در بُعد اقتصادی و زندگی مادی پیشرفت چشم‌گیری خواهد کرد؛ زیرا همه نیروهای مردم، در این جهت بسیج شده است. حال اگر این جامعه در بخشی از اوقات خود به معنویات بپردازد، طبیعی است که به همان میزان، از پیشرفت‌های مادی آن کاسته خواهد شد و در این جا است که میان پیشرفت مادی و معنوی آن جامعه، تزاخم به وجود می‌آید. در این جا این پرسش مطرح می‌شود که در صورت تزاخم میان مادیات و معنویات در جامعه، چه چیزی می‌تواند در رفع این تزاخم و تنظیم روابط اجتماعی به ما کمک کند؟ و آیا عالی‌ترین حد از مصالح مادی را باید مقدم داشت و رشد معنوی را کنار گذاشت و یا به قیمت پذیرش رشد مادی کم‌تر، مصالح معنوی را نیز تأمین نمود؟ این پرسش، تنها به روابط داخلی جامعه محدود نمی‌شود، بلکه در روابط بین‌الملل نیز این تزاخم و پرسش مطرح می‌شود. اگر رابطه جامعه اسلامی با یک جامعه غیر اسلامی، کم‌توجهی و ضعف نسبت به معنویات را به بار آورد و جمع میان رشد معنوی و ایجاد رابطه با آن جامعه ناممکن باشد، این پرسش مطرح می‌شود که چه چیزی می‌تواند در رفع این تزاخم کمک‌کننده باشد و این‌که باید کدام یک از آن دو را به قیمت ازدست‌دادن دیگری، به دست آورد؟ آن‌چه در اندیشه اسلامی مورد تأکید است، تقدم‌داشتن معنویات بر مادیات در هنگام تزاخم ارزشی است که حکایت‌گر یک مبنای ارزش‌شناختی است. بدین معنا که اگر تزاخمی بین مادیات و معنویات پیدا شد، معنویات مقدم خواهند بود؛ زیرا انسانیت انسان و کمال حقیقی او در سایه معنویات به دست می‌آید و مسائل مادی از این حیث غیر اصیل و اعتباری خواهند بود. معنویات انسان را به خدا نزدیک می‌سازد و زندگی مادی، مقدمه دست‌یابی به معنویات و وسیله تأمین آن خواهد بود. اگر وسیله ما را به هدف نزدیک نکند و اصل یا هدف، فدای وسیله شود، چنین وسیله‌ای ارزش واقعی خود را از دست می‌دهد. در بینش اسلامی، زندگی مادی، مقدمه آخرت است و منافع مادی وسیله‌ای برای تحقق‌بخشیدن به مصالح معنوی است و دارایی مادی، هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است تا انسان بتواند به کمک آن، انسانیتش را کامل کند. بنابراین، اگر تزاخمی بین این دو به وجود آید، باید امور

معنوی را مقدم داشت (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۴۹-۴۷). به این مبنای ارزشی در برخی آیات قرآن کریم اشاره شده است؛ چنان که در یک آیه فرموده است:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء(۴): ۱۴۱)؛ خداوند برای کافران تسلطی بر مؤمنان قرار نداده است.

هم چنین فرموده است:

«وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَالرَّسُولُ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون(۶۳): ۸)؛ عزت از آن خدا و

فرستاده خدا و مؤمنین است.

آیات مورد نظر از آن جهت ناظر به مدعا است که در آن ها سخن از ارتباط با کافران به میان آمده است. این ارتباط؛ چه جنبه مادی و اقتصادی داشته باشد و چه ناظر به مسائل معنوی باشد، باید در جهت یک مبنا و منطبق با آن انجام شود و آن مبنا حفظ هویت و عزت مؤمنین است. از همین روی، نشان می دهد ارتباط مادی یا معنوی با مشرکین اصلتی ندارد. بدین جهت در هنگام تزامم آن با ارزش های اصیل، قابل منع است و ترجیح ارزش های اصیل (در این جا عزت مؤمن) بر ارتباط با کافران لازم است. بدین جهت، اگر رابطه اقتصادی با جامعه ای، استقلال، عزت و عظمت جامعه مسلمانان را به خطر بیندازد، باید چنین رابطه ای قطع شود. هم چنین، اگر برقرار کردن رابطه با کشوری موجب فساد اخلاق و از بین رفتن معنویات شود، هرگز برقراری چنین رابطه ای جایز نیست؛ هر چند که مصالح فراوان مادی و دنیوی به دنبال داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۵۰). به این مهم، در بیانیه گام دوم انقلاب اشاره شده است. مقام معظم رهبری در این باره تصریح می کنند که دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با دشمنان با دقت حفظ کند و از ارزش های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب نشینی نکند (خامنه ای، ۱۳۹۷). این تأکید نشان می دهد در تزامم ارزش های انقلاب با ارزش های مادی بین المللی، باید ارزش های دینی انقلاب مقدم شوند.

اختیاری بودن کمال جویی

یکی از نکاتی که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم بر آن اشاره دارند، این است که در تحقق اهداف انقلاب، نبایستی از قدرت قاهره استفاده شود (همان). ایشان تصریح

می‌کنند که برای تحقق معنویت و اخلاق نباید حکومت متوسل به عنصر زور و جبر شود (همان). عنصر اصلی که جهت تحقق اهداف بر آن تأکید دارند، نیروی انسانی جوانان مؤمن انقلاب است و نه زورمداری حکومت و دستگاه‌های نظامی و امنیتی (همان). این اندیشه حکایت‌گر نقد و رد تفکرات داعش مسلکی و طالبانیسم در امر حکومت است که با واکاوی مبانی قرآنی می‌توان به این مسأله مورد اشاره به عنوان یک مبانی ارزش‌شناختی که بیان‌گر اختیاری بودن کمال حقیقی است، دست یافت. مبنایی که نشان‌گر آن است که تحقق کمال حقیقی امری اختیاری است که فرد با عنصر اراده و اختیار خود می‌تواند آن را محقق کند. در قرآن کریم به کرات به مسأله اختیار انسان اشاره شده است:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان (۷۶): ۳)؛ ما راه را به او نشان دادیم؛ خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس؛ «مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (اسراء (۱۷): ۱۵)؛ هر کس هدایت شود، برای خود (به سود خود) هدایت یافته و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف (۱۸): ۲۹)؛ و بگو: حق از سوی پروردگارتان رسیده است. پس هر کس که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد انکار کند.

با این وجود، تذکر یک نکته در این‌جا ضرورت دارد و آن این است که هرچند کمال‌جویی جبرناپذیر است، اما این به معنای عدم ضرورت زمینه‌سازی جهت رشد اخلاقی - معنوی آحاد جامعه نیست، بلکه در منطق دین، حکومت به مثابه ضرورت تحقق کمال مطرح شده و به همین جهت، وظایفی جهت زمینه‌سازی نیل آحاد جامعه به سمت کمال و زدودن موانع کمال‌طلبی تدارک دیده شده است. عدم تشکیل حکومت اسلامی مانعی در جهت تحقق ارزش‌های اخلاقی است؛ چرا که وقتی تربیت و رشد اخلاق محقق می‌شود که جو جامعه با آن تربیت معارضه نکند و گرنه چون قدرت نیروی جامعه، فرد را در خود مستهلک می‌کند، اگر اخلاق و غرائز جامعه با این تربیت ضدیت کند یا تربیت ما اصلاً مؤثر واقع نمی‌شود و یا آن قدر ناچیز است که قابل قیاس

و اندازه‌گیری نیست (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۵۴). از همین روی، در بینش سیاسی اسلام، تأمین مصالح معنوی، اصلی‌ترین وظیفه حکومت و دولت‌مردان است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۹) و هر گونه تساهل دینی در آن‌جا که تأمین این مصالح را تهدید و مورد حمله قرار دهد، به معنای نقض غرض است و با فلسفه تشکیل حکومت اسلامی ناسازگار است. این مهم، در بیانیه گام دوم انقلاب مورد توجه جدی قرار گرفته است. چنان‌که بر اهمیت زمینه‌سازی معنوی جهت رشد و تعالی معنوی تأکید کرده آن را وظیفه و رسالت دولت‌مردان معرفی نموده است:

[دولت‌مردان] خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البته به معنای رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. در دوره پیش رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود (همان).

عقلانیت به مثابه معیار سنجش ارزش

در بیانیه گام دوم انقلاب، در کنار عناصری مثل معنویت و اخلاق از عقلانیت یاد شده است. مؤلفه‌ای که به زعم رهبر انقلاب با کمک آن می‌توان مسیر اهداف انقلاب را روشن‌تر پیمود (همان). این مؤلفه از چنان جایگاهی برخوردار است که معتقدند، حتی در مواجهه با

کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، ستیز معقولانه ضرورت دارد(همان). به علاوه رشد و تعالی معنوی مبتنی بر شعور معنوی شده است(همان). در مؤلفه روابط خارجی، این روابط مبتنی بر سه اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» شده است و نشان می‌دهد عناصر حکمت و مصلحت، اساس و مبنای روابط خارجی کشور و جهت‌دهنده آن است(همان). در فراز دیگری، مظاهر عزت جمهوری اسلامی، علاوه بر شجاعت مدیران، بر حکمت‌سنجی مبتنی شده است(همان). هم‌چنین در مناسبات مدیریتی، خردورزی ضروری دانسته شده است.

این نوع از توجه به عنصر عقلانیت نشان می‌دهد عقلانیت به مثابه معیاری جهت‌سنجش ارزش‌ها و نیز ارزیابی و تعیین حسن و قبح در نظر گرفته شده است. این نکته در مباحث ارزش‌شناختی در زمره مباحث مهم است؛ به این معنا که یکی از مباحث مورد توجه در مبانی ارزش‌شناختی، توجه به نتیجه‌ها است. در این بحث، سخن از ملاک‌هایی است که به وسیله آن‌ها می‌توان ارزش‌های اصیل را شناخت(فتحعلی؛ مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۱۹۱). در این خصوص سخن بسیار گفته شده و دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده است، اما آنچه مورد تأیید محققان و اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است، به طوری که بدان تصریح کرده‌اند، این است که از جمله راه‌های تشخیص ارزش عقل، وحی و تجربه است(جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵-۸۵ و فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۲۰۲).

عقل نیروی تمیز بین خیر و نافع و ما بین شر و مضر است، آن‌ها را تصدیق می‌کند و معین می‌کند که فلان قانون حاجتی از حوایج واقعی انسان را بر می‌آورد و یا رفع احتیاج نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۲۸۹). به کمک عقل می‌توان ارزش ذاتی را تشخیص داد(فتحعلی؛ مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۲۰۲). به علاوه بسیاری از ارزش‌های غیرنی نیز با کمک عقل قابل تشخیص است. این مبنا در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است.

قرآن تفکر عقلی را امضا کرده و آن را جزو تفکر مذهبی قرار داده است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰).

در بسیاری از آیات قرآن کریم دعوت به تحصیل یقین از طریق تفکر و کاوش‌های عقلانی شده است (آل عمران(۳): ۱۹۱؛ اعراف(۷): ۱۷۶؛ یونس(۱۰): ۲۴؛ نحل(۱۶): ۱۱

و زمر(۳۹): ۴۲). در عرف قرآن کریم، هدایت‌گری عقل به مثابه یک مبنای ارزشی مورد پذیرش قرار گرفته؛ تا جایی که به بندگانی که با ابزار عقل به سنجش سره از ناسره و صادق از کاذب می‌پردازند، بشارت داده شده است:

«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ

وَأُولَئِكَ هُمُ أَوْلُو الْأَلْبَابِ» (زمر(۳۹): ۱۸-۱۷)؛ بندگان مرا بشارت ده؛ همان

کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند؛ آنان

کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده و آن‌ها خردمندانند.

علامه طباطبایی معتقد است با هدایت‌گری عقل است که انسان راه را به سوی حقایق معارف و اعمال صالح پیدا کرده و آن مسیر را پیش می‌گیرد(طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۵۰). از همین روی، عقل در تشخیص حسن و قبح اخلاقی کارآمد است:

«اولئک هم اولوالالباب»؛ یعنی صاحبان عقول با عقل، به حق هدایت می‌شود

و نشانه عقل، وصف اتباع حق است(همان، ج ۱۷، ص ۲۵۱).

وقتی خوبی و بدی را به کمک عقل بتوان تشخیص داد، به این معنا است که می‌توان ملاک و معیاری برای بازشناسی قوانین و مقررات خوب از بد، صفات خوب از صفات بد در اختیار هر انسانی قرار داد. به علاوه نشان می‌دهد ارزش‌ها از پشتوانه واقعی برخوردار هستند؛ چرا که وقتی معتقد شویم خوبی و بدی توسط عقل تشخیص داده می‌شود، پیش از آن باید پذیرفته باشیم خوبی و بدی ذاتی است. چون ابتدا باید پذیرفت واقعییتی در عالم هست تا نوبت به عقل برسد که آیا امکان درک و کشف آن واقعیت مستقلاً وجود دارد یا خیر. در نتیجه می‌توان بیان کرد خوبی و بدی ذاتی افعال است. این جایگاه به درستی در سراسر بیانیه مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که علاوه بر موارد پیش‌گفته در خصوص جایگاه عقلانیت، بررسی متن بیانیه نشان می‌دهد مؤلفه‌های مؤید عقلانیت در سراسر آن بروز و نمود دارد. هم‌سویی خرده‌نظام‌ها با نظام کلان سیاسی، حاکمیت علم و دانش و حرکت به سمت رستاخیز علمی و عدم رکود علمی، تأکید بر اقتصاد و تشویق به کسب ثروت مشروع، لزوم دانایی، توجه به توطئه فکری کانون‌های خارجی، رعایت اولویت‌ها، لزوم سلامت افکار عمومی، کسب استقلال و عزت بین‌المللی،

پیوند جوشش انقلابی با نظم، درس گرفتن از تجربه‌ها، مدیریت جهادی، اتکای به امید صادق، دوری از ترس و تحجر، عدم استفاده از قوه قاهره در معنویت و اخلاق، تکیه بر کارگزاران صالح، پرهیز از افراط و تفریط و داشتن سبک زندگی اسلامی، ابعاد دیگری از عقلانیت هستند که به وسیله بیانیه گام دوم تأکید شده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

عدالت اساسی‌ترین ارزش اجتماعی در نظام اسلامی

در قرآن کریم عدالت دارای حسن والایی است؛ چنان‌که امنیت همه امور بدان وابسته است. یعنی عدالت صرفاً یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه مفهومی عقلی و نفس‌الامری است که ریشه در هستی و فطرت انسانی دارد و همه ابعاد وجودی عالم را در بر می‌گیرد (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳). در برخی آیات، به جایگاه والای عدالت اشاره شده است (بقره (۲): ۲۸۲؛ نساء (۴): ۵۸؛ نحل (۱۶): ۷۶، ۹۰ و حجرات (۴۹): ۹). بدین جهت، عدالت در روابط اجتماعی به معنای عام کلمه در متون اسلامی یکی از ارزش‌های اساسی و بلکه اساسی‌ترین ارزش اجتماعی محسوب شده است (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۲۵). به تعبیر امام خمینی ۱:

اقامه عدل بین انسان‌ها و نجات دادن مظلومان از دست ظالمان... اسلام برای این دو جهت آمده است و ما تابع اسلامیم و باید این دو جهت را حفظ کنیم (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۷، ص ۵۲۸).

در عدالت محوری، قائم به عدل بودن برای یک نظام کافی نیست، بلکه باید قوام باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰ (ب)، ص ۱۵۴). چنان‌که در قرآن کریم فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مانده (۵): ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید که از آن‌چه انجام می‌دهید، با خبر است.

هر دو بعد این مبنای ارزشی شناختی، مورد توجه بیانیه گام انقلاب قرار گرفته است. یعنی هم بر قائم بودن و هم بر قوام بودن آن در انقلاب اسلامی تأکید شده است. در این رابطه در بیانیه آمده است:

عدالت در صدر هدف‌های اولیّه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

در فراز دیگری با تأکید بر ممنوعیت تبعیض تصریح شده است:

تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است (همان).

هم‌چنین بیان شده است:

مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسؤولیت دهند (همان).

همین ارزش نفس‌امری عدالت سبب شده است دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در چهار دهه انقلاب قابل مقایسه با هیچ دوره‌ای نباشد (همان).

خاست‌گاه و حد نصاب شکل‌دهی ارزش‌های انقلاب

اهداف متعالی انقلاب در صورتی محقق می‌شوند که احکام و قوانین آن دارای حد نصاب ارزش باشند. از منظر قرآن کریم، ارزش حد نصاب دارد؛ به گونه‌ای که آغاز و استمرار هر حرکتی و وضع هر قانونی و نیز اجرای هر حکمی، وقتی منطبق بر آن حد نصاب باشد، دارای ارزش است. این نکته از آیات قرآن کریم قابل ارائه است. در سوره نساء آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۴: ۵۹)؛ ای اهل ایمان از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر دارای

مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید و اگر در باره چیزی [از احکام و امور مادی و معنوی و حکومت و جانشینی پس از پیامبر] نزاع داشتید، آن را [برای فیصله‌یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید این [ارجاع‌دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است. در این آیه اطاعت در ابعاد مختلف آن، تنها از خدا و هر کسی که از قبل او مأذون باشد، اجازه داده شده است. در آیه دیگری فرموده است:

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا» (نساء(۴): ۸۰)؛ هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی بر تابد [حسابش با ماست]. ما تو را بر آنان نگهبان [اعمال‌شان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظ‌شان کنی] نفرستادیم. هم‌چنین در سوره یوسف به صراحت بر حد نصاب ارزشی بایدها که همان قبول ولایت الهی باشد، تأکید شده است:

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (یوسف(۱۲): ۴۰)؛ حکم فقط ویژه خداست، او فرمان داده که جز او را نپرستید. دین درست و راست و آیین پابرجا و حق همین است، ولی بیش‌تر مردم [حقایق را] نمی‌دانند. رازی که در این تأکیدها و انحصارها نهفته است، این است که نشان می‌دهد با صرف تمایلات یا حتی اکتفای به عقل بشری نمی‌توان قوانینی بر پایه کمالات انسان ارائه نمود. به بیان علامه طباطبایی: «انسان و مطالعات فقهی»
هوای نفس نمی‌تواند کمالات انسانی و حوایج واقعی او را تشخیص دهد، او تنها می‌تواند لذایذ مادی و حیوانی انسان را تشخیص دهد. بنابراین، اصول و ریشه‌های این قوانین باید حوایج حقیقی انسان باشد؛ حوایجی که واقعاً حاجت است، نه بر حسب تشخیص هوای نفس (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۲۸۹).

انسان وقتی به آن کمال و سعادت که برایش مقدر شده می‌رسد که اجتماعی صالح منعقد سازد؛ اجتماعی که در آن سنت‌ها و قوانین صالح حکومت کند، قوانینی که ضامن رسیدن انسان به سعادتش باشد و این سعادت امر و یا اموری است کمالی و تکوینی که به

انسان ناقص که او نیز موجودی است تکوینی ضمیمه می‌شود و او را انسانی کامل در نوع خود و تام در وجودش می‌سازد. پس این سنن و قوانین واسطه‌ای بین نقص انسان و کمال او است و راه عبوری بین دو منزلگاه او است، در نتیجه تابع مصالح اوست که عبارت است از کمال و یا کمالات او و این کمالات مانند آن واسطه اعتباری و خیالی نیست، بلکه اموری است حقیقی و واقعی و سازگار با نواقصی که هر یک مصداق یکی از حوایج حقیقی انسان است (همان، ص ۲۸۸). این مهم در مورد خاستگاه احکام و نیز قوانین و مقررات مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب قابل پی‌گیری است. چنان‌که بر هویت دینی انقلاب اسلامی تأکید شده است و تصریح شده است که آنچه انقلاب و ارزش‌های آن را شکل داده است، نه خاستگاه‌های مادی غرب و شرق، بلکه خاستگاهی دینی بوده است.

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست، کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید، دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

از همین روی، کلیدواژه دینی در تبیین مؤلفه‌های مورد نظر انقلاب در گام دوم آن، بیش از ۱۰ بار در این بیانیه تکرار شده است. هم‌چنین از کلیدواژه‌های دیگری؛ مانند «ارزش‌های الهی»، «هدایت الهی»، «هیبت الهی»، «توفیق الهی»، «عطیه الهی» (همان) که نشان‌گر ماهیت الهی شکل‌گیری و وضع قوانین انقلاب است، به کرات استفاده شده است. در برخی فرازها نیز بر زیربنابودن و اصیل‌بودن مؤلفه‌های ایمانی و دینی انقلاب اشاره نموده‌اند (همان). این فرازها نشان‌گر آن است که انقلاب اسلامی به لحاظ خاستگاه و نیز عناصر مورد هدف در بیانیه گام دوم انقلاب، از حد نصاب ارزش که همان نسبت‌داشتن آن‌ها با دین و تعالیم الهی یا به تعبیر دیگر، مبتنی‌بودن آن‌ها بر ایمان الهی است (فتحعلی؛ مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۲۰۲)، برخوردار هستند. بنابراین، در پرتو تکیه به آن‌ها امکان و نیز زمینه تحقق کمال و سعادت برای آحاد جامعه فراهم است.

نتیجه گیری

استمرار هر حرکتی در صورتی ثمربخش و ماندگار خواهد بود که بر مورد وثوق بودن آن از جهت ابتدای بر مبنای قرآنی در ساحت ارزش شناختی، یقین حاصل شود. در نتیجه تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب که به منزله سند راهبردی استمرار حرکت نظام اسلامی است، از منظر قرآن کریم و با تمرکز بر مبنای ارزشی آن ضرورت دارد تا یقین لازم از درستی و استحکام و نیز تضمین بقای آن و همچنین ضمانت اجرایی آن در تحقق اهداف آن فراهم آید. در همین رابطه این بررسی نشان داد بیانیه گام دوم انقلاب در تمامی مؤلفه‌های آن، ابتدای دقیقی بر آموزه‌های قرآن کریم در ساحت ارزش شناختی دارد. چنان‌که می‌توان زیر بنا و خاستگاه همه مؤلفه‌های آن را در قرآن کریم رصد نمود. از جمله مبنای ارزش شناختی قرآنی که بر اساس بررسی تحلیلی - اکتشافی متن بیانیه به دست آمد، می‌توان به جهان‌شمولی و نسبی‌ناپذیری ارزش‌ها اشاره نمود. این مبنا در بررسی بیانیه گام دوم نشان می‌دهد عناصر کلیدی ارزشی که در این بیانیه ارائه شده است، دارای چنین هویتی است، بنابراین، نصاب لازم برای دوام و پایداری و نیز بسط و توسعه بین‌المللی را دارا است. از این حیث، سخن از تمدن نوین اسلامی سخنی روا و ممکن الحصول است؛ چون نصاب لازم جهت بسط و گسترش تفکر انقلاب اسلامی وجود دارد. هم‌چنین بررسی نشان داد از دیگر مبنای ارزش شناختی که مؤلفه‌های مختلف بیانیه بر آن‌ها استوار است، شامل این موارد است: مدرج بودن ارزش‌ها، تقدم ارزش‌های اصیل بر ارزش‌های اعتباری در هنگام تزاخم، اختیاری بودن کمال‌جویی، در عین حال، توجه به این که حکومت به مثابه ضرورت تحقق کمال حقیقی باید زمینه‌های لازم جهت نیل آحاد جامعه به سمت کمال حقیقی را فراهم کند، مورد توجه و عنایت است. به علاوه ارائه عقلانیت به مثابه معیار سنجش ارزش و هم‌چنین لحاظ عدالت به عنوان ارزش نفس‌الامری و نیز خاستگاه الهی داشتن انقلاب و قوانین آن.

یادداشت‌ها

۱. البته مراد این نیست که در محتوای وحی نسبت به همه انبیا در جمیع زمان‌ها و مکان‌ها هیچ گونه اختلافی وجود نداشته است. ممکن است پاره‌ای از جزئیات احکام در زمان‌ها و مکان‌ها یا اقوام مختلف، تفاوت داشته است (محمدتقی مصباح یزدی، راه و راهنماشناسی، ص ۲۳۵-۲۳۲).

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اسکافی، محمدبن همام بن سهیل، التمحیص، قم: مدرسة الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۴ق.
۳. امام خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۷، تهران: مرکز نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
۴. جعفری پناه، مهدی و میرعلی، محمدعلی، «نقش خودسازی در تحقق صلح عادلانه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب»، سیاست متعالیه، ش ۲۹، ۱۳۹۹.
۵. جمشیدی، محمدحسین، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، شهیدصدر و امام خمینی ۴، تهران: پژوهشگاه امام خمینی، ۱۳۸۰.
۶. جوادی آملی، عبدالله، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۹۶.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۸. جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۹۰ (الف).
۹. جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۹۲.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، قم: اسراء، چ ۵، ۱۳۹۰ (ب).
۱۱. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، در: <http://www.farsi.khamenei.ir>
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی، نظام‌سازی، ۱۳۹۰، در: <http://www.farsi.khamenei.ir/news-content?id=17222>
۱۴. خمینی، سیدمصطفی، تفسیرالقرآن الکریم، ج ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ق.
۱۵. خوانساری، جمال‌الدین محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۶. رهنمایی، سیداحمد، «ماندگاری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر مبانی فطری و کلامی»، اندیشه نوین اسلامی، ش ۶۱، ۱۳۹۹.
۱۷. رهنمایی، سیداحمد، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۲، ۱۳۸۸.
۱۸. شریفی، احمدحسین، مبانی علوم انسانی، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی صدرا، چ ۲، ۱۳۹۴.

۱۹. شهریار، روح‌الله و نجفی، حسن، «هویت حقیقی انسان در اندیشه انسان‌شناختی جوادی آملی»، انسان پژوهی دینی، ش ۴۴، ۱۳۹۹.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، بررسی‌های اسلامی، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۲ و ۱۷، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۴.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۳، ۱۶ و ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲۹، ۱۳۸۹.
۲۳. طبیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، تهران: اسلام، ۱۳۷۸.
۲۴. فتحعلی، محمود؛ مصباح، مجتبی و یوسفیان، حسن، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، زیر نظر آیه‌الله مصباح یزدی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۲، ۱۳۹۱.
۲۵. کریمی، مصطفی، «مرحله مطالعه اکتشافی در نظریه‌پردازی قرآنی»، ماهنامه معرفت، ش ۱۹۷، ۱۳۹۳.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۲۷. لیثی واسطی، علی‌بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، مصحح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، ج ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۵، ۱۳۹۴.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، راه و راهنماشناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۱، ۱۳۹۰.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، تهران: نشر بین‌الملل، چ ۴، ۱۳۸۸.
۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی، کاوش‌ها و چالش‌ها، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۲، ۱۳۸۲.
۳۲. مصباح، مجتبی، بنیاد اخلاق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۷، ۱۳۹۰.
۳۳. موسی‌زاده، ابراهیم، «اصول و مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۹۵، ۱۳۹۹.